**تربیت دینی**

**تعاریف تربیت دینی**

**دین و عصر تکنولوژی**

**مراحل شکل گیری تربیت دینی**

**راهکارهای فرهنگ سازی دینی**

**ضرورت توجه به تربیت دینی**

**علل و آثار دین گریزی جوانان**

**اهمیت انتقال و نهادینه کردن مفاهیم دینی**

**راه های دریافت مفاهیم دینی و پرورش نسل نو**

**تربیت دینی در کودکان و نوجوانان**

**تربیت دینی**

**تعاریف تربیت دینی**

تربیت دینی فرایندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات (به تعبیر علامه جعفری، حیات معقول) مهیا می سازد. این نحوه زندگی بر مبنای اصول، قواعد و راهبردهای از پیش تعیین شده ای شکل می گیرد که از طریق دین و عقاید و شریعت به آدمی عرضه شده است(بابرو،1390).

تربیت دینی جنبه ای از فرایند تعلیم و تربیت، ناظر به پرورش ابعاد شناختی، عاطفی و عملی متربی از لحاظ التزام او به دینی معین» است(باقری،1389).

**دین و عصر تکنولوژی**

حضور در عصر تکنولوژی و ارتباط تنگاتنگ آن با زندگی، انسان را از بازگشت به خود و تمایلات فطری و درونی عاجز ساخته و به نوعی از خودبیگانگی و عدم دینداری سوق داده است. فطرت پاک کودک و نوجوان امروز تحت سیطره و تسلط امواج بی دینی قرار گرفته است. ارزش های اسلامی در پی تلاش بی وقفه دشمنان در جنگ نرم مورد بی مهری قرار گرفته اند و باورهای دینی را دست های پنهانی نشانه گرفته است. وجود رسانه های جمعی از قبیل اینترنت و ماهواره عوامل خطر زایی هستند که کودکان و نوجوانان را تهدید می کنند و می توان شاهد کمرنگ شدن مسائل دینی و اخلاقی در جامعه بود. بسیاری از نوجوانان در اثر نا آشنایی با باورهای دینی به بحران های هویتی مبتلا هستند. کودکان و نوجوانان سرمایه های گرانقدر هر ملتی هستد چرا که مسئولیت های فردای هر کشور را عهده دار خواهند شد. سلامت دینی و اخلاقی این قشر از جامعه تضمین کننده سلامت جامعه فرد است و تلاش در جهت شناخت و تقویت و رشد باورها وارزش های دینی و مذهبی در میان نوجوانان تامین کننده سلامت جامعه است. از این رو، دینداری در عصر ما، یک ضرورت است. ایمان راستین، ستونی محکم و تکیه گاهی امن، برای همه است تا در حوادث و اتفاقات به آن تمسک شده و از گمراهی نجات پیدا کنند. کسی که ایمان ندارد مانند غریقی است که مدام در دریای متلاطم اسیر تردید و بلاتکلیفی است و هر روز و هر ساعت به عقیده و نظریه ای متوسل می شود تا شاید از این مهلکه نجات یابد. تقویت دین به خصوص در نسل نوجوان و جوان به کنترل اضطرابات درونی که از خصوصیات این سنین است کمک می کند. دین، کنترل فرد را در برابرآلودگی ها و گناهان افزایش داده و با متوجه کردن افراد نسبت به وظایف خود و تحت ضابطه قرار دادن روابط انسانی و اجتماعی ،نقشی اساسی در تربیت دارد. تقویت تمایلات دینی در عصر حاضر به چند دلیل دارای اهمیت است:

1) افزایش تبلیغات مسموم و زهر آگین  علیه اسلام

2) سوء استفاده از نام دین برای وارد کردن القائات نادرست در مردم

3) وجود تمایل شدید به بی قیدی و آزادی بی قید و شرط

4) افزایش خطر اعتیاد به صورت همه جانبه (نصیری و دیگران، 1390).

یکی دیگر از دلایل اهمیت دادن به درونی کردن و تثبیت باورهای دینی، وجود و گسترش فرقه های گوناگون و کاذب در جوامع امروز است. بنابراین شناخت و کسب معرفت، تامل و تفکر، رشد و پرورش و از همه مهم تر تثبیت ارزش های اسلامی، یک نیاز جدی و حیاتی است.

**مراحل شکل گیری تربیت دینی**

گلدمن، مراحل توانایی کودکان و نوجوانان در فهم دینی را بر اساس تئوری پیاژه و با انجام مطالعه ای  بر چگونگی دریافت کودکان و نوجوانان از برخی تصاویر مذهبی و داستان های کتاب مقدس به سه دوره تفکر مذهبی شهودی، تفکر مذهبی عینی و دوره تفکر انتزاعی تقسیم کرده است. به عقیده دکتر حسین لطف آبادی بنیان رشد دینی، نه فقط رشد شناختی بلکه اساسا انگیزش درونی فرد برای کشف معنای زندگی و معنادار کردن زندگی، برای رساندن خویش به کمال و برای یگانه شدن با تمامیت و وحدت هستی است. فهم واقعی تربیت دینی نه فقط با یافته های دانش روانشناسی بلکه با تلفیق این یافته ها با محکمات دینی و فلسفه و عرفان میسر است.تربیت دینی ارتباط مستقیم با ویژگی های عمومی جنبه های رشد آدمی (یعنی رشد زیستی، رشد شناختی، رشد عاطفی، رشد اخلاقی و رشد اجتماعی- فرهنگی) داشته و در ارتباط متقابل با رشد صورت می گیرد و امری تدریجی است که در دوره هایی از زندگی سرعت بیشتر و کیفیت پیچیده تری پیدا می کند. این نوع تربیت، فرایند ی مداوم و تراکمی است، حالتی کلی دارد و همراه با تفاوت های فردی است. انعطاف پذیر و قابل تغییر است و در شرایط اجتماعی-فرهنگی هر فرد شکل می گیرد. هر چهار جنبه اساسی رشد، یعنی جنبه های زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی- فرهنگی از رشد آدمی، با تربیت دینی او کاملا ارتباط دارد. به همین جهت نمی توان صرفا نظر پیاژه را که تمام تاکید خود را برجنبه شناختی متمرکز ساخته است ،برای تحلیل و تبیین چگونگی رشد دینی و باورهای مذهبی پذیرفت. این استاد روانشناسی در مقاله خود تحت عنوان روانشناسی رشد اخلاقی، ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی با توجه به مهمترین نظریه های روانشناسی رشد، با بهره گیری از فلسفه واقع بینی و خردگرایی و با تکیه بر جوانب مشترک و محکمات ادیان الهی و مخصوصا با استفاده از فلسفه و عرفان اسلامی-ایرانی، هفت دوره در فرایند رشد و تربیت دینی را از کودکی تا دوره پختگی زندگی بزرگسالی، در نظر گرفته است. نگرش فرضیه ای او به مراحل رشد دینی به شرح زیراست:

1) ایمان شهودی و تقویتی (تا هفت سال) شامل: درجه امنیت پایه ای روانی/ چگونگی تقویت در کارهای خوب و بد و یادگیری  های اولیه /تفکر شهودی ابتدایی و پیش عملیاتی/ درهم آمیختگی خیال و واقعیت/ شکل گیری وجدان اولیه

2) ایمان افسانه ای و جزمی (۸تا ۱۱ سالگی): رشد تفکر عینی و تفکر کلی اجمالی / تمیز فاصله واقعیت و خیال / تصور جزیی درباره واقعیت‏ها / افسانه‏سازی با کمک عینیات / جزمی‏نگری درباره اندیشه‏های دینی / باور به پاداش و مکافات عینی

3) ایمان ترکیبی و الگویی (۱۲ تا ۱۶ سالگی): تفکر انتزاعی درباره مفاهیم مذهبی / نظام دادن به عقاید دینی / اثبات شخصیت خویش با کمک باورهای مذهبی / پیروی از سرمشق‏های دینی / درهم‏آمیختگی ایمان دینی با عواطف نوجوانی

4) ایمان فردی شده و استدلالی (۱۷ تا ۲۵ سالگی): استدلال عقلی به عنوان پشتوانه ایمان دینی / مقایسه طرز فکرهای دینی و انتخاب راه مخصوص به خود / شیفتگی به ارزش‏های دینی و فرهنگی / الگوبرداری از سرمشق‏های دینی / کمال‏طلبی و جستجوی معنای زندگی / فراگیری معانی و رفتارهای دینی از دوستان

5) ایمان ترکیبی و پویا (نیمه دوم جوانی تا میان‏سالی): فراتر رفتن از منطق و استدلال در فهم دین / تفکر ما بعد صوری و ترکیب کردن استدلال با شهود و تجربه دینی شخصی / یافتن وحدت در درون تناقض‏ها / آزاد کردن خود از تعصبات و قید و بندهای عامیانه / باور و اتکاء واقعی به خداوند و روح جاودان هستی

6) ایمان هماهنگی با جهان طبیعی و انسانی (میانسالی و پس از آن): یافتن جایگاه خود در جهان / یگانه شدن با قوانین هستی / حرمت گذاشتن به تمام انسان‏ها و اتحاد معنوی با دیگران / هماهنگ کردن زندگی با حیات دینی و معنوی / استدلال دیالکتیکی و رشد قدرت اخلاق / هماهنگ کردن دریافت‏های علمی و فرهنگی و فلسفی و عرفانی .

7) ایمان یگانه شدن با حق و وحدت وجود (دوره پختگی و کمال رشد): نظام اعتقادی اشراقی متعالی / مشاهده حقیقت و خیر و جمال در تمام وجود / تجربه کردن حقیقت هستی در همه چیز / روشنی بخشیدن به حیات معنوی در عالم انسانی / پیوستن به جاودانگی وجود (همان منبع، ۲۵).

**راهکارهای فرهنگ سازی دینی**

پویایی معنوی و سیاسی یک جامعه به حضور بالنده ارزش های دینی و ملّی پذیرفته شده در آن جامعه و میزان پایبندی افراد جامعه به آنها بستگی دارد. بنابراین، بهترین راه سالم سازی و افزایش آمادگی جامعه در برابر ترفندها و توطئه های پیچیده دشمن، تلاش برای حفظ، درونی سازی و گسترش ارزش ها در زندگی فردی و اجتماعی است. خانواده، به عنوان نخستین کانونی که در این زمینه میتواند نقش آفرینی کند و پس از آن، مدرسه، آموزشگاه ها و دانشگاه ها باید به این امر مهم، عنایت ویژه داشته باشند و به فراخور نیاز افراد در دوره های گوناگون سنی، آنان را یاری کنند; زیرا فراهم آوردن زمینه های سالم تغذیه فکری برای نسل جدید، عبادت خواهد بود. تشویق افراد، سازمان ها و صاحبان پایگاه های اجتماعی به گام نهادن در این راه نیز یکی دیگر از راه های حفظ و گسترش ارزش های دینی در سطح جامعه است. تلاش برخی افراد، گروه ها و احزاب برای کم رنگ کردن یا از بین بردن پایبندی به ارزش ها به ویژه در میان نوجوانان و جوانان، خیانتی نابخشودنی، ستمی ناروا و بهترین راه ایجاد سلطه بیگانگان بر سرزمین اسلامی است زیرا جامعه تهی از ارزش های دینی، بستر مناسبی برای تهاجم و شبیخون فرهنگی دشمن خواهد بود. بهترین راهکارهای فرهنگ سازی دینی، بدین شرح است (رضایی، 1390):

1) تعریف عملیاتی از «دین»، «ارزش های دینی» و «فرهنگ دینی»: ابتدا باید فرد یا افراد، این توانایی را داشته باشند که ارزشها و معارف دینی را از متن قرآن و سنّت استخراج کنند و تعریف دقیق و کاربردی از آن ارایه دهند. تعریف عملیاتی از دین و ارزش‌های دینی و [فرهنگ](http://www.wikiporsesh.ir/%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF) دینی، تصحیح معنا و مفهوم ارزش‌ها و مفاهیم دینی و برنامه ریزی، از جمله راه‌های عملی فرهنگ سازی دینی در جامعه است. فرهنگ‌سازی دینی به معنای «نمود عینی دادن و نهادینه کردن ارزش‌های دینی در عمل‌کرد افراد و صحنه‌های اجتماعی است» و تحقق آن در یک فرایند چندین مرحله‌ای امکان‌پذیر است. بهترین راه‌های عملی فرهنگ‌سازی دینی عبارتند از تعریف عملیاتی از [دین](http://www.wikiporsesh.ir/%D8%AF%DB%8C%D9%86)، ارزش‌های دینی و [فرهنگ دینی](http://www.wikiporsesh.ir/%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF_%D8%AF%DB%8C%D9%86%DB%8C). ابتدا باید فرد یا افراد، این توانایی را داشته باشند که ارزش‌ها و معارف دینی را از متن [قرآن](http://www.wikiporsesh.ir/%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86) و [سنت](http://www.wikiporsesh.ir/%D8%B3%D9%86%D8%AA) استخراج نموده و تعریف دقیق و کاربردی از آن ارایه دهند.

2) پیرایش ارزشها و مفاهیم دینی از پیرایه های محیطی و اجتماعی و ایجاد دیدگاه مشترک میان بخش های فرهنگی نظام درباره آن: همه می دانیم که حضرت امام خمینی(ره) در فرآیند نوسازی جامعه، مفاهیمی مانند معنویتگرایی یا آخرت گرایی، جدایی دین از سیاست، تقابل دنیا و آخرت، نگرش سنّتی به توده مردم، نوع نگرش به قضا و قدر و زنان را در عمل و نظر، بازنگری کرده و بر اساس معیار اسلام و دیانت ناب، این مفاهیم را معنا بخشیده است. اکنون نیز باید ارزش های دینی به دور از پیرایه های اجتماعی بررسی شود تا بخشهای فرهنگی نظام درباره آن به اشتراک نظر برسند. تصحیح معنا و مفهوم ارزش‌هاو مفاهیم دینی از پیرایه‌های محیطی و اجتماعی و وفاق بخش‌های مختلف فرهنگی نظام در مورد آن؛ چنانچه حضرت [امام خمینی](http://www.wikiporsesh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C) (قدس‌سره) در فرآیند نوسازی جامعه، مفاهیمی مانند [معنویت‌گرایی](http://www.wikiporsesh.ir/%D9%85%D8%B9%D9%86%D9%88%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%DA%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C) یا [آخرت‌گرایی](http://www.wikiporsesh.ir/%D8%A2%D8%AE%D8%B1%D8%AA%E2%80%8C%DA%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C)، جدایی دین از [سیاست](http://www.wikiporsesh.ir/%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA)، تقابل [دنیا](http://www.wikiporsesh.ir/%D8%AF%D9%86%DB%8C%D8%A7) و [آخرت](http://www.wikiporsesh.ir/%D8%A2%D8%AE%D8%B1%D8%AA)، نگرش سنّتی به توده مردم، وجه تلقی از [قضا و قدر](http://www.wikiporsesh.ir/%D9%82%D8%B6%D8%A7_%D9%88_%D9%82%D8%AF%D8%B1) و وجه تلقی نسبت به [زنان](http://www.wikiporsesh.ir/%D8%B2%D9%86) را در عمل و نظر مورد بازنگری قرار داده و بر اساس معیار [اسلام](http://www.wikiporsesh.ir/%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85) و دیانت ناب این مفاهیم را معنا بخشیده‌اند، اکنون نیز باید ارزش‌های دینی به دور از پیرایه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و در مورد آن‌ها بین بخش‌های فرهنگی نظام توافق کاملی حاصل گردد.

3) برنامه ریزی: باید دانست که فعالیّت فرهنگی از کجا و با چه روشی آغاز شود. همچنین باید راهی یافت که همواره درستی تصمیم ها را تضمین کند. در برنامه ریزی باید به این نکته توجّه داشت که فرهنگسازی دینی به برنامهریزی دراز مدت و استراتژیک نیاز دارد و بر پایه برنامه کوتاه مدت و انفعالی نمیتوان فرهنگ جامعه را با دین هماهنگ کرد. مهمترین روش های راهبردی در برنامه فرهنگ سازی دینی، به شرح زیر است:

الف) نخستین گام در برنامه ریزی، «خودسازی» است. رسالت بزرگ کارگزاران فرهنگی این است که ابتدا خود را به ارزشهای دینی مانند: ایمان، تقوا، شرح صدر و... آراسته سازند و در عمل به ارزشها، از دیگران پیشی بگیرند.

ب) گام دوم، «دیگرسازی» است که در قالب ارشاد و نصیحت، تبلیغ و تعلیم و تربیت اسلامی امکانپذیر است. هدف از ارشاد و نصیحت، افزایش سطح تربیت و ترویج فضایل اخلاقی است. تکریم شخصیت دیگران، وفق و مدارا، برخورد محبت آمیز و استفاده از روشهای غیرمستقیم همچون روش الگویی، در کارآیی نصیحت و ارشاد نقش بسیار مؤثری ایفا خواهد کرد. پیامبران نیز در دعوت خود از همین شیوه ها بهره برده اند. برای نمونه، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) هنگامی که مأموریت یافت خویشان خود را به دین جدید دعوت کند، مجلسی تشکیل داد. سپس با غذایی که از گوشت گوسفند و شیر فراهم آورده بود، از آنان به خوبی پذیرایی کرد. آنگاه آنان را به پذیرش دین الهی فرا خواند. این شیوه برخورد، سیره پیامبر(صلی الله علیه وآله) و اهلبیت آن حضرت بود که با استفاده از همین روش، مردم را به سوی دین خدا و هدایتهای دینی جذب میکردند.

ج) فرهنگ سازی دینی و احیای ارزش های مذهبی در شرایط کنونی جامعه اسلامی، به فعالیت نظام یافته و همفکری و تلاش گروهی نیاز دارد که از نظر ابزار و محدوده کار نیز به مراتب گسترده تر و پیچیده تر از گذشته است. لازمه فرهنگ سازی دینی در حال حاضر این است که همه نهادهای اجتماعی، کارگزاران فرهنگی، صدا و سیما، مطبوعات و... به صورت هماهنگ و منسجم در نهادینه کردن ارزشهای دینی، تلاش ورزند. در این میان، نقش خانواده، آموزش و پرورش، صدا و سیما و مطبوعات به مراتب از دیگر نهادها برجسته تر است.

**ضرورت توجه به تربیت دینی**

تربيت ديني، يک ضرورت است. کساني که تربيت افراد در رده های مختلف سنی را از وظايف خويش به حساب نمي آورند و بيشتربه امور روزمره ي خود مي پردازند، بايد منتظر پيامدهاي اين بي توجهي ها باشند. عمق بخشيدن به آموزه هاي ديني، افراد را ازآسيب هاي اخلاقي و اجتماعي مصون مي دارد چرا که بسياري ازشرارت هاي افراد ناشي از نداشتن تربيت ديني و اخلاقي مي باشد و دروني شدن ارزش هاي ديني باعث مي شود آنان دربرابر اين انحرافات مقاومت بيشتري داشته باشند (دلشاد تهرانی، 1389).

درخت پرثمر تربيت، آنگاه به بار مي نشيند که نظريه هاي تربيتي در قالب شيوه هاي صحيح و درست اجرا شود. براي موفقيت در هر کاري، آگاهي به اسباب و وسايلي که بتواند به گونه اي سريع و آسان، ما را در رسيدن به هدف ياري کند، لازم است. اتخاذ روش هايي که بتواند ما را به آساني در پيمودن جاده موفقيت يار و مددکار باشد، از شرايط توفيق در انجام هر کاري است. در قرآن کريم آمده است:

«وليس البربأن تأتوا البيوت من ظهورها و لکن البرّ و أتوا البيوت من أبويها و اتّقوا الله لعلّکم تفلحون»؛ (بقره، 189)

«نيکوکاري بدان نيست که از پشت ديوار به خانه در آييد (چه، اين کار ناشايسته است)؛ نيکي آن است که پارسا باشيد و در هر کاري، از راه آن وارد شويد».

در تفسيرآيه فوق فرموده اند که «وأتوا البيوت من أبوابها» يعني بايد هرکاري را از راه خودش انجام داد. (مظلومی، 1391).

حضرت علي (ع) درباره ضرورت داشتن روش در کارها مي فرمايند: «ما خاصگان و ياران و گنجوران نبوت و درهاي رسالت هستيم و در خانه ها جزاز درهاي آن نتوان وارد شد». در اهميت داشتن روش، امام صادق (ع) فرمود:ند «العامل علي غيربصيره کالسائرعلي غير طريق فلا تزيده سرعه السير الا بعدا» (جعفری، 1389).

«عمل کننده ي بي بصيرت مانند ره نوردي است که به بيراهه مي رود.سرعت حرکت او را به هدف نمي رساند جز آنکه دورش سازد». حضرت علي (ع) به مردم سفارش مي کند که اي مردم آن کس که راه آشکار را بپيماد به آب درآيد و آن کس که راه بيراهه را در پيش گيرد، در بيابان بي نشان مي افتد». (حسنی بافرانی و مهدوی راد، 1390) بنابراين هررشته اي ازعلوم شيوه و روش خاص خود را دارد که اگردرست به کارگرفته شود،نتايج مطلوبي به همراه خواهد داشت.

تربیت دینی و اخلاقی فرآیند زمینه سازی و به کارگیری شیوه های صحیح و تقویت و ایجاد صفات و رفتارهای اخلاقی و از بین بردن رفتارها و آداب غیر اخلاقی در انسان است. تربیت دینی فرزندان و افراد را باید از کودکی آغاز کرد زیرا روح آنان در این زمان انعطاف پذیری قابل توجهی دارد و هر چه انسان بزرگتر می شود از این انعطاف کاسته می شود و نتایج حاصله از تحقیق عبارتند (خادمی، 1389):

1- برای نهادینه کردن ارزشها باید از بهترین شیوه ها بهره گرفت تا نتایج مفید و مؤثر حاصل شود . یکی از روشها تشویق کارهای خوب است.

2- داشتن بصیرت و آگاهی نسبت به انجام یک کار، دوام و قوام آن را بیشتر خواهد کرد.

3- الگوهای پاک و با فضیلت: انگیزه و میل به پاکی و آراستگی به فضایل را در جوامع ایجاد مد و الگوهای ناپاک و بی فضیلت جوامع را به سوی ناپاکی و رذایل بر می انگیزد .

4- ارتباط با مجالس و محافل مذهبی نقش مؤثر و مثبتی در مسایل خانوادگی دارد.

5- اگر انسان طعم شیرین راز و نیاز با آفریدگار را درک کند، نمی تواند از آن دست بردارد.

6- مردم ارزشهای اخلاقی را باید از فقاهت و دین بگیرند تا بتوانند در زندگی شان جلوی یکسری ضدارزشها را بگیرند.

**علل و آثار دین گریزی جوانان**

 این پدیده، عواقب نامطلوب و جبران ناپذیری در فرد و اجتماع دارد. بعضی از این عواقب عبارتند از سست شدن بنیادهای اخلاقی خانواده ها، از دست دادن روحیه ایثار گری و شجاعت، عدم حساسیت در مقابل وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... به بی گانگان، بی تفاوتی در مقابل ظلم و تبعیض و بی عدالتی و ... . مهمترین عوامل دین گریزی در جامعه اسلامی، یا گریز از مکتب اسلام به طور کلی، به دو دسته تقسیم می شوند (قربان زاده، 1388):

1- عوامل محیطی (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و ...): مهمترین عوامل محیطی، به شرح زیر می باشند:

الف. نارسایی عوامل مؤثر در معنویت گرایی (دین گرایی): هرکدام از عللی که در معنویت گرایی مؤثرند، اگر در جهت صحیح و درست عمل نکنند، خود عامل معنویت گریزی عموماً و دین گریزی خصوصاً خواهند شد. نارسایی عوامل مؤثر در معنویت گرایی و دین گرایی را می توان به طور کلی در پنج محور تقسیم بندی کرد:

1) جایگزینی تعلیم به جای تفکر؛ استاد مطهری ره در این باره می فرماید:" در تعلیم و تربیت بایستی به جوان مجال اندیشه داد و آن را ترغیب به فکر کرد. درحالی که نظام تعلیمی و تبلیغی ما تعلیم را به جای تفکر گذاشته است و در حقیقت منتهی شده است به انباشت محفوظات" (حسنی بافرانی و مهدوی راد، 1390).

2) عدم توجه به حس کاوش و حقیقت جویی؛ معمولاً انسان ها به دانستن حقیقت گرایش دارند. منکوب کردن، تشرزدن، چرا آن قدر می پرسی یا نپرس، روشی است که در برابر فکر حقیقت جویی وجود دارد. نمی توان پرسشی را از میان برد. اگر با پرسشی مخالفت شود به اشکال انحرافی ظاهر خواهد شد و باعث می شود تا انسان (چون پاسخی دریافت نکرده است) خود در آن زمینه تجربه پیدا کند. متقابلاً اگر از سؤالات و مجهولات افراد به درستی و با پاسخ های منطقی استقبال شود، به جای مصرف کننده اندیشه، تولیدکننده اندیشه های دینی می شویم. به همین دلیل هر نهاد اجتماعی باید به پناهگاه های امن پرسش های پنهان در لایه های ذهن تبدیل شود تا امکان پاسخ گویی به آنها را پیدا کنند.

3) غفلت از تغییر آداب زمان در تربیت؛ باید توجه داشت جامعه جوان جامعه ای متفاوت است و اساساً با معیارهای گذشته قابل سنجش نیست. مقتضیات زمان بسیاری از آداب را عوض و شکل بروز و ظهور آن را متفاوت می کند. بر این اساس تحمیل آداب زمان خویش به نسل بعد از خودمان، منجر به یک نوع جمود یا ثبات آداب می شود. باید ویژگی ها و معیارهای نسل حاضر را به درستی شناخت و با توجه به آنها به تعلیم و تربیت او پرداخت.

4) سرکوب غرایز؛ افرادی که فن تربیت را نمی دانند، توجه ندارند که در تربیت تمامی قوایی که در وجود انسان است دارای حکمت و مصلحتی است و باید غرایز شهوانی را در حد طبیعی و از راه مشروع اشباع کنیم. برآورده نشدن احتیاجات طبیعی منجر به نوعی تراکم و واکنش می شود یا همان مکانیزم طرد که امروزه هم شاهد هستیم (قربان زاده، 1388).

ب. تهاجم فرهنگی: توطئه های دشمنان و کافران و منافقان ضد دین که در قالب تهاجم فرهنگی شکل می گیرد از عوامل دخیل در معنویت گریزی است. هدف عمده این تهاجم رواج فساد بی قیدی و لامذهبی در بین مردم خصوصاً نسل جوان است که گاهی با ایجاد شبهات و وارونه جلوه دادن مسائل دین و پنهان کردن حق و پوشاندن باطل در لباس حق صورت می پذیرد. بنابراین باید توجه داشت که دشمن در پیشبرد اهداف شوم خویش همیشه در لباس باطل ظاهر نمی شود و ممکن است در لباس حق باطل را عرضه کند. با هوشیاری و ظرافت می توان جلوی پیشرفت اهداف دشمن را گرفت.

 ج. عدم اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر: یکی از عوامل مؤثر در دوری جامعه از امور معنوی و دینی، عدم توجه به اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر به ویژه از جانب متولیان امور دینی است. قرآن کریم می فرماید: "شما بهترین امت هستید به شرط آن که نسبت به خوبی ها و بدی ها متعهد باشید، به خوبی ها سفارش کنید و از بدی ها جلوگیری کنید اما برعکس هر چقدر ملتی نسبت به ناهنجاری های جامعه خود؛ نظیر ظلم ها، حق کشی ها، فسادها، خیانت ها و رواج دیگر رفتارهای ناپسند بی توجه و بی تفاوت باشند، به همان نسبت از یک جامعه ارزشی و آرمانی فاصله می گیرد. این رفتار در یک جامعه اسلامی موجب نادیده گرفتن حقیقت و فرهنگ اصیل اسلامی و فاصله گرفتن از دین و محروم ماندن از آثار آموزه های آن می شود (حسنی بافرانی و مهدوی راد، 1390).

 د. عدم تأمین نیازهای اولیه: ناکارآمدی برخی از مدیران جامعه در اجرای برنامه های اعلام شده حکومت دینی، عدم توزیع عادلانه امکانات و فرصت ها در برخی از ادارات و دستگاه های کشور موجب بی پاسخ ماندن نیازهای اجتماعی جوانان (ازدواج، اشتغال، مسکن و...) می شود. نیازهای آدمیان را باید طبقه بندی کرد تا نیازهای اولیه ارضا نشود بقیه را نمی توان تأمین کرد.جامعه اخلاقی جامعه ای است که نیازهای اجتماعی اولیه در آن تأمین است و در کنار آن آزادی و امنیت و محبت وجود دارد.

هـ. رواج خرافه پرستی در دین: آمیخته شدن آموزه های اصیل دین با خرافات، بدعت ها و مسائل خارج از دایره دین و عقل، سبب ایجاد تصویر غیر واقعی و غیر قابل قبول از دین خواهد شد که نتیجه اش طرد شدن دین است.

و. هوا پرستی ها، منعت طلبی ها و درگیری برخی گروه ها و جناح های مذهبی بر سر کسب، حفظ و استمرار قدرت سیاسی، اقتصادی و... و به طور کلی تعارض قول و عمل متولیان و طرفداران حکومت دینی یکی از عوامل مهم گریز از دین است (قربان زاده، 1388).

 2- عوامل درونی (فردی): این دسته از عوامل که به عوامل «روان شناختی» نیز معروفند، قطع نظر از عوامل محیطی، به ویژگی های شناختی و عاطفی هر فرد در اقبال و ادبار (روی آوردن و فاصله گرفتن) او نسبت به معارف دینی اشاره دارند. مهمترین عوامل درونی (فردی)، به شرح زیر می باشند:

 1)  گرایش به سوی تمایلات و هواهای نفسانی: خواسته های نابه جای برخی افراد، ناهنجاری های عاطفی و روانی آنان و بی بند و باری و گرفتاری در انواع دام های شیطانی و ... موجب شده است تا به سستی و فساد و سود جویی های نامشروع و... روی آورده و التزام به دین و چهارچوب های دینی را مزاحم خود ببینند. چنان که در قرآن کریم درباره مهم ترین عامل روی گردانی از توحید و معاد آمده است:" (انسان شک در معاد ندارد) بلکه او مى‏خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند. امام صادق (ع) می فرمایند: "مان گونه که از دشمنان خود حذر می کنید، از هوس هایتان حذر کنید؛ زیرا برای مردان دشمنی برتر از پیروی از هوس هایشان و آنچه زبان هایشان کسب کرده (سخنان بیهوده و یاوه)، نیست. از آن جا که دینداری جلوی هوا پرستی های مهار گسیخته و ویران گر را می گیرد، افراد هواپرست سعی می کنند مسیر خود را از دین جدا کنند.

2) ضعف بینش دینی افراد: نداشتن آگاهی درست از ماهیت دین و نقش و کارکرد آن در تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان، عدم تفکیک بین ذات دین و مدعیان دینداری و ثبت نقاط ضعف دینداران در پرونده دین، موجب اهمیت ندادن به دین و دین گریزی می شود.

3) ضعف و سستی بنیان های دینی خانواده ها: در برخی از خانواده ها ضعف بنیه دینی منجر به عدم تربیت و پرورش صحیح جوانان شده است. و همین امر فاصله ای بین آنان و آموزه های دینی ایجاد کرده است که باید با محکم کردن بنیان های دینی خانواده ها این فاصله را از بین برد. بنابراین با توجه به این که همه افراد در یک درجه و مرتبه از ایمان قرار ندارند و مسائل نفسانی و مادی و دنیایی از جاذبیت بالایی نسبت به مسائل دینی برخودارند، کم رنگ شدن دینداری در بعضی از افراد و در برهه ای از زمان امری عادی است. دلیل این نکته نیز روشن است؛ چرا که انسان موجودی با اراده و انتخاب گر است و عوامل متعددی می تواند الزامات و تعهدات دینی او را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو ممکن است در برهه ای از زمان انجام فرائض و تعهدات خود را ترک نماید یا رفتارهای غیر دینی یا حتی ضد دینی از او سر بزند! اما در همان زمان به بعضی از برنامه های دیگر دین پای بند باشد و یا در زمان ها و مکان های خاص و ویژه این پای بندی خود را بروز دهد. حتی ممکن است بعد از مدتی از کوتاهی های خود کاملاً پشیمان شده و توبه نماید و در صدد جبران گذشته خود بر آید. در هر حال هر یک از عوامل مذکور که به تنهایی یا به همراه دیگر عوامل علت و منشأ دین گریزی باشد. این پدیده عواقب نا مطلوب و جبران ناپذیری در زندگی فرد و همچنین در اجتماع دارد (مبینی، 1392). بعضی از این عواقب عبارت اند از:

1) سست شدن بنیاد های اخلاقی خانواده ها: بی شک عمل به تعهدات اخلاقی در خانواده با مشکلات و محدودیت هایی همراه است که تحمل آنها بدون یک پشتوانه محکم و مقدس (دین) امکان پذیر نیست با تضعیف دینداری این تعهدات به سردی می گراید.

 2) از دست دادن روحیه ایثار گری و شجاعت در رفع مشکلات همنوعان و در مقابله بادشمنان؛ زیرا دین با تبین و تصویر فرجام صحیح جهاد و شهادت و ایثارگری، پرده های راحت طلبی و منفعت پرستی را کنار زده و انسان ها را به معامله با ارزش هایی بالاتر از زندگی مادی فرا می خواند. با تضعیف دین داری ارزش ها در دنیا و مادیات خلاصه خواهد شد.

3) عدم حساسیت در مقابل وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... به بی گانگان: دینداری با تقویت روحیه توکل به قدرت خداوند قادر و ایجاد اعتماد به نفس و ضامن مقاومت در مقابل وابستگی ها و در نتیجه به بار نشستن استقلال همه جانبه ملت ها است.

4) بی تفاوتی در مقابل ظلم و تبعیض و بی عدالتی: مبارزه واقعی با ظلم و بی عدالتی مستلزم تحمل مشقت ها، محرومیت ها و حتی ایثار جان است؛ از این رو تجربه نشان داده است انسان های مبارزی که روابط مستحکمی با دین ندارند کمتر مبارزه خود را تا مرحله نهایی ادامه داده اند و غالباً در وسط راه در مواجهه با مشکلات احساس خستگی کرده و از آرمان ها و شعار های خود دست برداشته اند در مقابل انسان های با ایمان تا آخرین مرحله به پیش رفته اند و قله های پیروزی را فتح کرده اند.مبارزه با رژیم ستمشاهی پهلوی و پیروزی نهایی ملت مسلمان گواه خوبی بر این مطلب است. در حالی که گروه های غیر مذهبی در وسط راه دست از آرمان های خود بر داشتند (کاویانی، 1389).

**اهمیت انتقال و نهادینه کردن مفاهیم دینی**

در شرائط امروزی پرداختن به مسائل دینی و اعتقادی، نیازمند آگاهی و درایت بیشتری نسبت به گذشته می باشد. چرا که با ظهور فن آوری های نوین اطلاع رسانی و گسترش و نفوذ آن در زندگی ها و تلاش دشمنان دین در جهت کمرنگ نمودن اعتقادات مذهبی، دینی و اخلاقیات، و ترغیب به جامعه ای به اصطلاح مدرن ، تبلیغ مبانی دینی، اعتقادی و اخلاقی به آسانی، میسر نیست. حضور موثر و انکار ناپذیر دین در تاریخ زندگی بشر، شناخت دینی را به یکی از اصلی ترین سرچشمه های معرفت تبدیل کرده است و از طرفی هم دغدغه ی درونی و دل مشغولی دایمی همه ی دین داران واقعی این است که نسل جدید و آینده، جامعه ای مومن به ارزش ها و عامل به احکام باشند. شکل گیری شخصیت دینی به معنی برخورداری از ویژگی های خاص مطابق با معیارهای تعالیم دینی مرهون آموزش های مستقیم و غیر مستقیم در هریک از جنبه های معرفتی انسان ها است که از بستر خانواده با عملکرد مثبت والدین و امور تاثیر گذار آغاز و در مدرسه، دانشگاه و جامعه استمرار پیدا می کند. ببان گهر بار حضرت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله که فرمودند: «من تعلم فی شبابه کان بمنزله النقش فی الحجر» هر کس که در نوجوانی  دانشی را یاد بگیرد مانند حکاکی در سنگ است(یعنی ماندگاری نسبتا ثابتی دارد) و سخن بسیار بلند حضرت علی علیه السلام که فرمودند: «العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر» یادگیری در دوران کودکی مانند حکاکی و نقش در سنگ است گویای استقرار مستمر علوم و مفاهیم دینی در اذهان پاک و روح منزه کودکان و نوجوانان است این همان احیا ی معارف و مفاهیم دینی است. از حضرت امام رضا علیه السلام سخن به این مضمون در دست داریم که فرمودند: خداوند بیامرزد کسی را که امر ما را احیا کند، یعنی تعالیم (علوم، دانش ها، محاسن اخلاقی و معارف) ما را انتشار دهد و به دیگران بیاموزد. چون هرگاه مردم زیبایی ها و عمق کلام ما را دریابند، از آموزه های ما پیروی خواهند کرد.« فان الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا» در این راستا، اعتقاد و اعتنا به مفاهیم دینی، اصلی مهم و اساسی در ارائه ی این گونه مطالب به کودکان و نوجوانان به شمار می رود (مطهری راد، 1392).

**راه های دریافت مفاهیم دینی و پرورش نسل نو**

بدیهی است کودکان و نوجوانان از دو راه مستقیم و غیر مستقیم مفاهیم دینی را در یافت می نمایند و بهترین شیوه برای تاثیر گذاری در فراگیران روش غیر مستقیم است چرا که این محیط را خود شان با علاقه و اختیار خویش انتخاب می کنند. وجود نیازها و امکانات ویژه در کودکان و نوجوانان و داشتن ذهنی شفاف و زود جذب، نگه دارنده با تاثیر پذیری عمیق، ماندگار و پردامنه، منقاد و آینده ساز، ولی کم تجربه، پاک و خالی الذهن بودن از رذایل و منکرات، شتاب کننده ی در کارهای خوب و خیر و دارای قلبی لطیف و آماده ی پذیرش هر بذری موجب می شود که به آنان توجه بیشتری گردد. به خاطر همین خصوصیات است که در هر برهه ای از زمان،  دشمنان با تاثیرِ مزمن، متوالی و مستمر بر این قشر، آینده ی ملتی را متحول می کردن. درست است که کودکان دارای محدودیت تجربه، زبان و دقت تفکیک می باشند (از نظر  فکری نمی توانند مدت زیادی تفکر نموده و یا در تفکیک سره از ناسره و حق از ناحق با مشکل مواجه هستند) و قدرت دریافت رویدادهای مختلف را در یک زمان ندارند و ممکن است درک درستی از مطلب را نداشته باشند ولیکن مطالب چه صحیح و چه باطل، در لایه های ذهن آنان نقش می بندد. لذا با توجه به این محدودیت ها، ویژگی های خاص و نیازهای کودکان در سنین مختلف می طلبد که بزرگسالانِ آگاه و دلسوز، هنرمندانه و مبتکرانه راه صحیح ورود و خروج در مسائل دینی را به طور درست و دقیق در اختیار این گروه قرار دهند تا علاوه بر عمیق کردن بینش نسبت به ماهیت انسان و ساختن خود، جامعه را در نیل به کمال و سعادت رهنمون گردند (لطف آبادی، 1389). نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد و مورد توجه روان شناسان نیز می باشد آن است که کودک، هنگام دیدن رفتارهای پدر و مادر و نزدیکان، خود را در آن محیط می گنجاند در این راستا اولیاء  باید ضمن فراهم کردن زمینه های اندیشیدن و شناخت پیرامون مفهوم متعالی رشد و کمال انسان و القای مفاهیم متعالی دین الهی و آسمانی اسلام و سبک زندگی بسیار متعادل و رشد دهنده ، به کودکان و نوجوانان، طوری عمل کنند که موجبات تجلّی فطرت و شخصیت همه جانبه ی کودکان و نوجوانان را فراهم آورده و در مسیر به فعلیت رساندن استعدادهای درونی و نهانی آنان کاملا موثر عمل نمایند تا آنان با عمده ترین و بهترین شیوه های پرستش و عبادت خدا و رسیدن به خدا وند یکتای متعال آشنا شده و ثابت قدم باشند تا در نتیجه با لذت بردن از انجام فرائض به حضرت حق نزدیکتر گردند. چرا که مغزکودک با کمک حواس موجود در بدن، همچون دوربین عکاسی است که از هر چیزی که در برابر آن قرار می گیرد، عکس بر می دارد و از همه مهمتر حتی در دوران جنینی صدا ها را می شنود و در حد درک خود تجزیه و  تحلیل می نماید از این رو مستحب است وقتی طفل در رحم مادر قرار دارد وی را با آیات قرآن آشنا ساخته زمانی که متولد می شود در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بخوانند، تا ندای الله اکبر و لا اله الا الله و یگانگی خدا از همان ابتدای تولد در جان و دل کودک نهادینه شده و او را با توحید آشناتر سازد و از دریای معارف طرفی ببندد و از مکائد و حیله های شیاطین در امان باشد. با عنایت به این که تربیت شکل خاصی است که مربی با القای مفاهیم برای هدف های خاصی با اراده و عمد جهت هدایت اعمال و رفتار کودکان و نوجوانان برای تماس صحیح با جامعه، به روح انسان می دهد تا غرایز، قوا و تمایلات نفسانی آنان را تعدیل نموده، وجدان اخلاقی و تمایلات عالی شان را شکوفا کند، بنابر این پدران و مادران در سازندگی و تکون متعالی مغز کودکان و نوجوانان بسیار موثر می باشند (احمدی، 1392).

ارزش کار پدران و مادران در صورتی که در جهت قرب الی الله بوده و رشد دهنده ی اعتقادات دینی در کودکان و نوجوانان باشد و شکوفا کننده ی وجدان اخلاقی  آنان باشد  بسیار زیاد است و خدمت گذاری به روح و عقل انسان ها با خدمت گذاری به بدن آنان به هیچ وجه قابل مقایسه نیست حضرت پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم در رابطه ی با  ارزش خدمت کردن به بدن می فرمایند یا علی اگر یک نفر، گرسنه ای را سیر کند ثواب بنده آزادن کردن دارد اما در راستای خدمت به جان و هدایت حتی یک انسان روایت است که: پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم خطاب به حضرت علیه السلام فرمود: لان یهدى اللّه بك رجلاً واحدًا خير لك ممّا طلعت عليه الشّمس. در صورتى كه خداوند يك نفر را به دست تو هدايت كند، بر آنچه آفتاب بر آن می تابد بهتر است. بنابراین انجام هر گونه تلاش و کوشش در راستای تکون متعالی در مسیر فطرت پاک کودکان و نوجوانان و القای اندیشه های دینی توسط پدران و مادران به آنان، هر گز دور از عنایات و توجهات باریتعالی نبوده و از سوی دیگر نیز آینده ی آنان را بیمه و مصون خواهد نمود که در این بین، القاء معارف، برمبنای داستان های واقعی و حقیقی قران کریم و معصومین علیهم السلام و نقش آن در زندگی نوجوانان و جوانان،  ثبات و ماندگاری خاصی دارند (سلیمانی، 1388).

**تربیت دینی در کودکان و نوجوانان**

تقویت نگاه زیبا شناختی به مفاهیم دینی و بهره گیری از قرآن و سیره ی نبوی و ائمه علیهم السلام جهت آموزش راه درست زندگی و تعمیق بصیرت دینی در خردسالان از جمله اهدافی است که در حوزه های شناختی، رفتاری و عاطفی در تربیت دینی کودک دنبال می کنیم .پس جهت تربیت دینی خرد سالان قرآن و سیره ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بهترین منابع بوده و همچنین خانواده و محیط نیز از عوامل موثر در تربیت دینی می باشد. هدف از این آموزش به کودکان و نوجوانان، رشد و شکوفا سازی فطرت پاک آنان می باشد. بیشتر انسان های موفق، کامیابی های خود را مدیون آموزش ها و تربیت های معلمان دلسوز خود می دانند و نیز افرادی  شکست ها ی زندگی خود را از برخورد بد و ناهنجاری های تربیتی مربیان نا صالح خویش به یادگار دارند. امام سجاد علیه السلام می فرمایند: " اما حق کسانی که به شنیدن کلام تو نشسته اند، این است که بدانی خداوند تو را سرپرست و حافظ حقوق آنان قرار داده است و تکلیف تو آن است که آنان را به بیشترین بهره ی ممکن برسانی. همواره با متعلم به خوش رویی و نرمی رفتار کن این مسئولیت را به خوبی انجام ده و نیازهای معنوی آنان را برآورده ساز و در مورد آنان، خیر خواه و نصیحت گر باش (احمدی، 1392).

رشد فضايل و ارزش‌ها در انسان و پرهيز از رذايل اخلاقي، به داشتن يک منش و شخصيت خوب در انسان کمک فراوان مي‌کند. اين آموزش و تربيت در سنين نوجواني و جواني از موفقيت بالايي برخوردار خواهد بود. آموزش ارزش‌ها و رشد فضايل در اين سنين، به پايداري رفتار ارزشي و اخلاقي آنها منجر شده، به ارزشي بودن آنها در خانواده و جامعه کمک مي‌کند. در اين ميان، ارزش عفاف و پاک‌دامني و اهميت آن بر آشنايان با مكتب اخلاقي اسلام پوشيده نيست. به ويژه نقش و جايگاه اين ارزش و دروني‌سازي آن در نوجوانان و جوانان، که در سنين بحراني رشد هستند، از اهميت بالايي برخوردار است. آدمی همیشه در پی آن بوده  که معمای حیات را بداند ، تعبیری برای حوادث عالم قایل شود ، از مقدرات  بشری سر در بیاورد و برای جهان و موجوداتش علتی پیدا کند . جوابگوی این سوالات دین بوده است که پیوسته طریقی برای تعبیر گیتی و حوادث آن به دست می دهد و زندگی را برای آدمی با معنا می سازد . پس منتهای همه ی  فهم و تفسیر خداوند است و توجه به خدا یعنی توجه به  هستی و توجه به دین یعنی غایت داشتن هستی و آمادگی برای زیستن . پس هر تربیتی که جنبه یا مایه ی دینی ندارد ناقص و صوری  و بی دوام است. فضای مساعد پرورش اسلامی، در بر گیرنده موارد زیر است (لطف آبادی، 1389):

1- فضای خانواده و والدین چرا که  فراگیر شب و روز با آن در تماس است. در این فضا، محبت خانوادگی و خدایی باید وجود داشته باشد.

2- فضای دوم، نماز است.

3- فضای سوم، خانه ی خدا، یعنی مسجد است (این فضا، فرآگیر را به اجتماعی آشنا می سازد که آنان را هدفی مقدس جمع داشته است).

4- فضای چهارم، مجالس مذهبی است.

5- فضای پنجم، دیار افراد سلیم النفس و صاف دل است.

6- فضای ششم، نگاه به آسمان صاف در بلندی ها و قرار گرفتن در میان دشت وسیع و ... است.

شایسته است  که از همان سال های  نخستین زندگی کودک ، آماده ی پرورش دینی و اسلامی او شویم ، تا هسته های عقاید در  نهاد او رویانده گردد.

احمدی، حمید (1378)، پیرامون همبستگی ملی و وفاق اجتماعی، فصل­نامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره یکم، میزگرد، ص ص 17-43.

احمدی، سیروس (1386) بررسی آثار نتایج تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی 2006 بر هویت ملی شهروندان (مطالعه موردی شهر یاسوج)، فصلنامه المپیک، سال پانزدهم، شماره 1 (پیاپی 37)، ص ص 85-95.

استونز، راب. (1379). متفکران بزرگ جامعه‌شناسي. ترجمه مهرداد ميردامادي. نشر مرکز. تهران.
اسماعيلي، علي محمد. (1389). جنگ نرم در همين نزديکي. تهران، نشر ساقي.

استونز، راب. (1379). متفکران بزرگ جامعه‌شناسي. ترجمه مهرداد ميردامادي. نشر مرکز. تهران.

اسماعيلي، علي محمد. (1389). جنگ نرم در همين نزديکي. تهران، نشر ساقي

اسکیدمور، ویلیام (1372)، تفکر نظری در جامعه­شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، تهران، انتشارات سفیر.

اعتضادالسلطنه، محمد. (1384). دغدغه‌هاي رسانه‌اي جهان عرب، (ترجمه). تهران. دفتر پژوهش‌هاي راديو .
اولسون، ديويد. (1377). رسانه‎ها و نماد:صورت‌هاي بيان، ارتباط و آموزش. [ترجمه] محبوبه مهاجر. تهران: انتشارات سروش.
بهنام، جمشيد. (1383). تحولات خانواده، پويايي خانواده در حوزه‌هاي فرهنگي گوناگون. مترجم: محمد جعفر پوينده. نشر ماهي. تهران.
بوستي، جيانکارلو. (1379). درس‌هاي قرن بيستم. دو مصاحبه و دو گفتار منتشر شده از کارل پوپر. [ترجمه] هرمز همايون‌پورو. نشر فروزان.
بيابانگرد، اسماعيل. (1387). فرزند من و رسانه. تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد رياست جمهوري.
ريتزر، جورج. (1379). خاستگاه‌هاي ايده‌هاي اساسي در جامعه‌شناسي. [ترجمه] تقي آزاد ارمکي. تهران. نشرسيمرغ.
ستير، ويرجينيا؛ (1380). آدم‌سازي، در روانشناسي خانواده، [ترجمه] بهروز بيرشک. انتشارات رشد.
سورين، ورنر و تانكارد، جيمز. (1386). نظريه‌هاي ارتباطات. [ترجمه]  عليرضا دهقان. تهران. نشر دانشگاه تهران. 13. چاپ سوم. صص 392 ـ 389. سون ويندال، بنو سيگنايتزر، جين اولسون. (1387). کاربرد نظريه‌هاي ارتباطات. [ترجمه]  عليرضا دهقان. تهران. نشر جامعه‌شناسان. چاپ دوم.
طباطبايي، صادق. (1384). طلوع ماهواره و افول فرهنگ. تهران: انتشارات اطلاعات.
قنادان، منصور و همکاران. (1375). جامعه¬شناسي مفاهيم کليدي. تهران. نشرآواي نور. کاستلز، امانوئل. (1380). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد اول، ظهور جامعه شبکه‌اي. [ترجمه] علي پايا. احد عليقليان و افشين خاکباز. تهران. طرح نو.  کلاين‌برگ، اتو. (1372). روانشناسي اجتماعي. جلد دوم. ترجمه علي محمد کاردان. تهران. نشر انديشه.
کريمي، يوسف. (1375). روانشناسي اجتماعي. نظريه‌ها. مفاهيم و کاربردها. تهران. انتشارات ارسباران.
گيدنز، آنتوني. (1381). جامعه‌شناسي. [ترجمه] منوچهر صبوري. تهران، چاپ هشتم. نشر ني.
گونتر، بري. (1384). روش‌هاي تحقيق رسانه‌اي. [ترجمه] مينو نيكو. تهران. اداره كل پژوهش‌هاي سيما.
لاوئري، شرون اي، دي فلور. ملوين ال. (1390). نقاط عطف در پژوهش‎هاي ارتباطي«تأثيرات رسانه». [ترجمه] محمد گذرآبادي. تهران. نشر دانژه.
مريجي، شمس الله. (1383). عوامل مؤثر درانحراف از ارزش‌ها. قم. مرکز پژوهش‌هاي اسلامي صداوسيما.
مورالي دانينو، آندره. (1383). جامعه‌شناسي روابط جنسي. [ترجمه] حسن پويان. تهران: انتشارات توس.
مك كوئيل، دنيس. (1380). مخاطب‌شناسي. [ترجمه] دكتر مهدي منتظرقائم. تهران. مركز مطالعات و تحقيقات رسانه‌ها.
مک کوئيل، دنيس.  (1383). درآمدي بر نظريه ارتباطات جمعي. [ترجمه] پرويز اجلالي. تهران. مرکز مطالعات و تحقيقات رسانه¬ها.
منادي، مرتضي. (1385). جامعه‌شناسي خانواده. تهران: نشر دانژه.
مهرداد، هرمز. (1380). مقدمه‌اي بر نظريه‌ها و مفاهيم ارتباط جمعي، تهران. فاران.
ويمر، راجردي و دومينيک، جوزف. آر. (1384). تحقيق در رسانه‎هاي جمعي، [ترجمه]  کاووس سيد امامي. تهران. انتشارات سروش.
هيوارد، سوزان. (1381). مفاهيم کليدي در مطالعات سينمايي. [ترجمه] فتاح محمدي. تهران: نشر هزاره.
اعزازي، شهلا. (1390). دگرگوني در نقش زنان، (مجموعه مقالات). تهران. نشر علمي.
دهقان، عليرضا. (1378). بررسي تأثير رسانه‎ها بر افکار عمومي (کاربرد يک الگوي جامعه شناختي). نامه علوم اجتماعي، شماره 13، صص3 ـ 25.
ربيعي، علي و فرناز احمدزاده‌ نامور. (پاييز و زمستان 1387)، نظريه بازنمايي رسانه‎اي و تحليلي افکار عمومي متقابل آمريکايي‌ها و ايراني‌ها، دانش سياسي، سال4، شماره 2.
سقازاده، محمد و کريم خاني، حمزه (1388)، هجوم خاموش (آسيب‌شناسي نسل جوان). انتشارات عطر ياس،چاپ پنجم.
صابري، الهام (1385). «دجال مدرن: نقش رسانه‌هاي جمعي در به انحراف کشاندن جوانان»، شميم ياس، شماره 40.
صابري، الهام (1384). «نقش رسانه‌هاي جمعي در به انحراف کشاندن جوانان (ماهواره)»، گنجينه، شماره 54، مهر1384.
عاملي، سعيدرضا. (1385). فرهنگ مردم پسند و شهر مردم پسند، تهران: شهر محلي ـ جهاني، انجمن ايراني مطالعات فرهنگي و ارتباطات، سال2، شماره 5.
مهدي‌زاده، شراره (1384)؛ تلويزيون، مخاطب ونگرش نو، جامعه‎شناسي ايران، شماره24، صص 185 ـ 211.
اتکینسون، ریتا؛ اتکیسنون، ریچارد؛ هیلگارد، ارنست (1387) زمینه روان­شناسی، ج 1 و 2، ترجمه محمد نقی براهنی و دیگران، تهران، انتشارات رشد.

اعتضادالسلطنه، محمد. (1384). دغدغه‌هاي رسانه‌اي جهان عرب، (ترجمه). تهران. دفتر پژوهش‌هاي راديو

اعرافی ، علی رضا(1377) آرا دانشمندان در تعلیم و تربیت جلد1- چاپ مهر

افهمی، بنفشه و حمیدرضا آقامحمدیان. 1389. «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به ماهواره و تأثیر آن بر باورها و رفتار دینی مردم». شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد خراسان رضوی. 1 ـ 19.

افهمی، بنفشه و حمیدرضا آقامحمدیان.(1389). «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به ماهواره و تأثیر آن بر باورها و رفتار دینی مردم». شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد خراسان رضوی. 1 ـ 19.

امینی ، ابراهیم(1383) اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلام حوزه علمیه قم.

اولسون، ديويد. (1377). رسانه‎ها و نماد:صورت‌هاي بيان، ارتباط و آموزش. [ترجمه] محبوبه مهاجر. تهران: انتشارات سروش.
بهرامي کميل. نظام. (1388). نظريه رسانه‌ها. نشر کوير

آذین، احمد و کبرا پیرمحمدی(1388). «بررسی نقش رسانه‌های نوین با تاکید بر ماهواره واینترنت بر هویت فرهنگی دانشجویان». پژوهش‏نامه علوم اجتماعی. شماره 2. سال (2)ـ 156.

آذین، احمد و کبرا پیرمحمدی. 1388. «بررسی نقش رسانه‌های نوین با تاکید بر ماهواره واینترنت بر هویت فرهنگی دانشجویان». پژوهش‏نامه علوم اجتماعی. شماره 2. سال (2)ـ 156.

آمدی، عبدالواحد، غرور الحکم

برقی مقدم ،جعفر ؛بنی نصرت ،ایوب (1389 ) ،ارتباط بین سبکهای هویت با عوامل برانگیزاننده و احساس موفقیت در رشته ورزشی کاراته ،سال سوم ،شماره نهم ،ص ص

بهشتی – محمد(1380)آرا دانشمندان در تعلیم و تربیت جلد 4- چاپ سمت

بهشتی، محمد(1379) آرا دانشمندان در تعلیم و تربیت جلد 2- چاپ سمت

بهنام، جمشيد. (1383). تحولات خانواده، پويايي خانواده در حوزه‌هاي فرهنگي گوناگون. مترجم: محمد جعفر پوينده. نشر ماهي. تهران.
بوستي، جيانکارلو. (1379). درس‌هاي قرن بيستم. دو مصاحبه و دو گفتار منتشر شده از کارل پوپر. [ترجمه] هرمز همايون‌پورو. نشر فروزان.
بيابانگرد، اسماعيل. (1387). فرزند من و رسانه. تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد رياست جمهوري

بیچرانلو، عبدالله. (1389). «سینمای ایران در تقابل با ویدئو، تلویزیون و ماهواره». تهران. نامه پژوهشی فرهنگی. دوره سوم شماره نهم. سال (11). 9 ـ 34.

بیریوکوف.ن.س(1372)تلویزیون و دکترین‌های آن در غرب. ترجمه: محمد حافظی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‏ها.

جنکینز، ریچارد (1381)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، انتشارات شیرازه.

جوادی، علی‌محمد.(1387). «بررسی میزان و چگونگی رابطه بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی در بین کاربران وغیر کاربران اینترنتی به تفکیک جنسیت». پیک نور. سوم. سال(7). 12 ـ 26.

چالمرز،آلن اف. (1379). چيستي علم، درآمدي بر مکاتب علم‌شناسي فلسفي. [ترجمه] سعيد زيباکلام. تهران. سازمان مطالعه و تدوين کتب علوم انساني دانشگاه‌ها.
ريتزر، جورج. (1379). خاستگاه‌هاي ايده‌هاي اساسي در جامعه‌شناسي. [ترجمه] تقي آزاد ارمکي. تهران. نشرسيمرغ.

حافظ­نیا، محمد رضا (1378)، پیرامون همبستگی ملی و وفاق اجتماعی، فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره یکم، میزگرد، ص ص 17-43.

دوران، بهزاد (1381) تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی، رساله دکترای جامعه شناختی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

دوران، بهزاد؛ محسنی، منوچهر (1382) هویت: رویکردها و نظریه­ها، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، جلد چهارم، شماره اول، ص ص 39-90.

ربيعي، علي و فرناز احمدزاده‌ نامور. (پاييز و زمستان 1387)، نظريه بازنمايي رسانه‎اي و تحليلي افکار عمومي متقابل آمريکايي‌ها و ايراني‌ها، دانش سياسي، سال4، شماره 2.
سقازاده، محمد و کريم خاني، حمزه (1388)، هجوم خاموش (آسيب‌شناسي نسل جوان). انتشارات عطر ياس،چاپ پنجم.    صابري، الهام (1385). «دجال مدرن: نقش رسانه‌هاي جمعي در به انحراف کشاندن جوانان»، شميم ياس، شماره 40.
صابري، الهام (1384). «نقش رسانه‌هاي جمعي در به انحراف کشاندن جوانان (ماهواره)»، گنجينه، شماره 54، مهر1384.
عاملي، سعيدرضا. (1385). فرهنگ مردم پسند و شهر مردم پسند، تهران: شهر محلي ـ جهاني، انجمن ايراني مطالعات فرهنگي و ارتباطات، سال2، شماره 5، (بهار و تابستان 1385

رحمان‌زاده، سیدعلی و زهرا غفاری معین. (1390). «بررسی نقش رسانه ملی در توسعه ارتباطات بین فرهنگی در میان اقوام ایرانی از دیدگاه صاحب نظران» مطالعات رسانه‌ای، 13، سال (6). 233 ـ 249.

رضایی، محمد و مونا کلانتری. (1390). «خوانش مخاطبان سریال‌های شبکه‌های فارسی وان». زن در فرهنگ معاصر. 2. دوره 3. 5 ـ 24.

رفیعی، بهروز(1381) ارا دانشمندان در تعلیم و تربیت جلد 3- چاپ زیتون

روحانی، حسن. (1389). «خانواده، سرمایه خانواده و چالش‌های فراروی جامعه ما». فصل‌نامه راهبرد. 57، سال(19). 7 ـ 33.

روشه، گی (1370)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی­زاده، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.

زکی، محمد علی (1382) ساخت و اعتباریابی مقیاس عوامل جامعه­پذیری و بررسی تأثیر آن بر شکل­گیری هویت دانش­آموزان، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، جلد چهارم، شماره اول، ص ص 281-306.

زیباکلام، صادق (1374)، پیرامون همبستگی ملی و وفاق اجتماعی، فصلنامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره یکم، میزگرد، ص ص 17-43.

ستير، ويرجينيا؛ (1380). آدم‌سازي، در روانشناسي خانواده، [ترجمه] بهروز بيرشک. انتشارات رشد.
سورين، ورنر و تانكارد، جيمز. (1386). نظريه‌هاي ارتباطات. [ترجمه]  عليرضا دهقان. تهران. نشر دانشگاه تهران. 13. چاپ سوم. صص 392 ـ 389

سون ويندال، بنو سيگنايتزر، جين اولسون. (1387). کاربرد نظريه‌هاي ارتباطات. [ترجمه]  عليرضا دهقان. تهران. نشر جامعه‌شناسان. چاپ دوم.
سيف، علي‌اکبر. (1374). تغيير رفتار و رفتاردرماني: نظريه‌ها و روش‌ها. تهران: نشر دانا.
طباطبايي، صادق. (1384). طلوع ماهواره و افول فرهنگ. تهران: انتشارات اطلاعات

شجیع، رضا؛ سهرابی، مهدی؛ فولادیان ،جواد(1389)، مقایسه هویت ورزشی بازیکنان تیمهای ملی هندبال ایران .پرتال علوم انسانی، پژوهش و علوم ورزشی ،شماره 26، ص ص 104- 87

شجیع، رضا؛ سهرابی، مهدی؛ فولادیان، جواد (1389). تعیین سلسله مراتب هویت نقش بازیکنان تیمهای ملی هندبال ایران و رابطه آن با هویت ورزشی، سن و سابقه قهرمانی. نشریه المپیک، 2 (50)، صص: 124-114.

شریعتمداری ، علی(1383)، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت- نشر امیر کبیر

شریعتمداری ، علی،(1376) فلسفه، مسائل فلسفی ، مکتبهای فلسفی- دفتر نشر فرهنگ اسلامی

شریعتمداری، علی(1380) روان شناسی تربیتی – انتشارات امیر کبیر

شریفی، اسماعیل و اکرم کاکاوند.(1388).«رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با هویت جوانان». دو فصل‌نامه تخصصی پژوهش جوانان. فرهنگ و جامعه. 4، دانشگاه تربیت مدرس، 25 ـ 50.

شهابی‌، محمود و مجتبی جهانگردی.(1387). «خاستگاه اجتماعی استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان در میان مخاطبان». تهران. فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی. 2، سال (1)، 23 ـ 55.

عباسی مولید، حسین. (1390). «رابطه تعهد زناشویی با ارزش‌های فرهنگی زوجین». خراسان جنوبی‌. فصلنامه مطالعات انتظامی‌شرق. پیش شماره مهر1390، 7 ـ 14.

عنایت، حلیمه و مجید موحد.(1383).. «زنان وتحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن». پژوهش زنان. 2. دوره(2). 153 ـ 166.

قمرانی، امیر و سمانه طباطبائی.(1385). «بررسی روابط عاشقانه زوجین ایرانی و رابطه آن با رضایت». تازه‌های پژوهشهای مشاوره. شماره 17. جلد 5. 95 ـ 109.

قنادان، منصور و همکاران. (1375). جامعه شناسي مفاهيم کليدي. تهران. نشرآواي نور. کاستلز، امانوئل. (1380). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد اول، ظهور جامعه شبکه‌اي. [ترجمه] علي پايا. احد عليقليان و افشين خاکباز. تهران. طرح نو

کاردان ، علی محمد(1372)، فلسفه تعلیم و تربیت- نشر ذره

کارگر شورکی، هدایت؛ پاک­نژاد، فاطمه (1382) خانواده، نخستین عامل تأثیرگذاری بر هویت دانش­آموزان، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، جلد چهارم، شماره اول، ص ص 687-706.

کاسیرر، ارنست (1373)، رساله­ای در باب انسان (درآمدی بر فلسفه فرهنگ)، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کاوند، رضا.(1387). «مطالعه کیفی نحوه دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان» رساله کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه علوم اجتماعی.

کریمیان، نادر و یوسف کریمی‌ بهمن بهمنی.(1390). «بررسی رابطه ابعاد سلامت روان واحساس گناه با تعهد زناشویی افراد متاهل». تهران. فصلنامه مشاوره روان درمانی و خانواده. 2. سال(1). 243 ـ 256.

کريمي، يوسف (1375). روانشناسي اجتماعي. نظريه‌ها. مفاهيم و کاربردها. تهران. انتشارات ارسباران.

کفاش، حمید رضا. (1389).. «اصول وراهکارهای پیشنهادی ورسالت آموزش و پرورش». رشد شماره 2. دوره ششم. 39 ـ 41.

کفاشی، مجید. (1389). «بررسی تأثیر پاینترنت بر ارزش‌های خانواده». دانشگاه آزاد اسلامی‌ رودهن. فصلنامه پژوهش اجتماعی. 3. سال(2)، 55 ـ 76.

کلاين‌برگ، اتو. (1372). روانشناسي اجتماعي. جلد دوم. ترجمه علي محمد کاردان. تهران. نشر انديشه.

گلچین، مسعود (1378)، قشربندی اجتماعی و تبیین جامعه شناختی جریان اجتماعی کردن نوجوانان در خانواده، رساله دکتری جامعه­شناسی، تهران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

گنجی، محمد حسن (1378)، جغرافیای ایران در گاهواره هویت ملی، گزارش همایش هویت ایرانی در پایان قرن بیستم، فصل­نامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره یکم، ص ص 199-234.

گونتر، بري. (1384). روش‌هاي تحقيق رسانه‌اي. [ترجمه] مينو نيكو. تهران. اداره كل پژوهش‌هاي سيما.
لاوئري، شرون اي، دي فلور. ملوين ال. (1390). نقاط عطف در پژوهش‎هاي ارتباطي«تأثيرات رسانه». [ترجمه] محمد گذرآبادي. تهران. نشر دانژه.
مريجي، شمس الله. (1383). عوامل مؤثر درانحراف از ارزش‌ها. قم. مرکز پژوهش‌هاي اسلامي صداوسيما

گيدنز، آنتوني. (1381). جامعه‌شناسي. [ترجمه] منوچهر صبوري. تهران، چاپ هشتم. نشر ني.

مجتهدزاده، پیروز (1378)، سخنرانی افتتاحیه، گزارش همایش هویت ایرانی در پایان قرن بیستم، فصل­نامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره یکم، ص ص 199-234.

محسنی، نیک چهره (1375)، ادراک خود: از کودکی تا بزرگسالی، دیدگاه­ها، نظریه­ها و کاربردهای تربیتی و درمانی، تهران، انتشارات بعثت.

محسنیان‌راد، مهدی و عبدالرضا سپنجی. (1390). «مخاطبان منفعل یا افراد گزینشگر آن سوی رسانه‌ها»، تهران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. 1. دوره چهارم. 27 ـ 47.

محمد پور، احمد و اسداله نقدی و بهزاد نادرنژاد.(1389). «تأثیر ماهواره بر هویت فرهنگی در کردستان ایران». دو فصلنامه تخصصی پژوهش جوانان. فرهنگ و جامعه. 4. 131 ـ 156.

مسعودی، امید علی.(1388). «شبکه‌های تلویزیونی به مثابه عامل مؤثر بر فرهنگ عمومی‌«. نامه پژوهشی فرهنگی. شماره هفتم. دوره 3. سال(11).173 ـ 205.

مک کویل، د. 1385. مخاطب شناسی. ترجمه: مهدی منتظر قائم. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

مک کوئيل، دنيس.  (1383). درآمدي بر نظريه ارتباطات جمعي. [ترجمه] پرويز اجلالي. تهران. مرکز مطالعات و تحقيقات رسانه ها.
منادي، مرتضي. (1385). جامعه‌شناسي خانواده. تهران: نشر دانژه.
مهرداد، هرمز. (1380). مقدمه‌اي بر نظريه‌ها و مفاهيم ارتباط جمعي، تهران. فاران.
ويمر، راجردي و دومينيک، جوزف. آر. (1384). تحقيق در رسانه‎هاي جمعي، [ترجمه]  کاووس سيد امامي. تهران. انتشارات سروش

مورالي دانينو، آندره. (1383). جامعه‌شناسي روابط جنسي. [ترجمه] حسن پويان. تهران: انتشارات توس.
مك كوئيل، دنيس. (1380). مخاطب‌شناسي. [ترجمه] دكتر مهدي منتظرقائم. تهران. مركز مطالعات و تحقيقات رسانه‌ها

مهدی‌زاده، شراره و الهه عبداللهی.(1389). «بررسی رابطه میان نحوه استفاده از اینترنت و ماهواره با برگذاری روز دوستی». فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. 161 ـ 184.

مهدي‌زاده، شراره (1384)؛ تلويزيون، مخاطب ونگرش نو، جامعه‎شناسي ايران، شماره24، صص 185 ـ 211.

نعیمی، محمدرضا. (1390). «تأثیر تعامل خانواده وماهواره در بروز پدیده طلاق». مجله تخصصی جامعه‌شناسی. اول. سال(1). 191 ـ 211.

نوری، اعظم. (1389). «عوامل تضعیف استحکام خانواده». فصلنامه طهورا. 6، 87 ـ 114.

ولی زاده، لیلا(1391) شیوه های عملی جهت ارائه مفاهیم دینی در مهد کودک، انتشارات سازمان بهزیستی

هيوارد، سوزان. (1381). مفاهيم کليدي در مطالعات سينمايي. [ترجمه] فتاح محمدي. تهران: نشر هزاره.
اعزازي، شهلا. (1390). دگرگوني در نقش زنان، (مجموعه مقالات). تهران. نشر علمي.
دهقان، عليرضا. (1378). بررسي تأثير رسانه‎ها بر افکار عمومي (کاربرد يک الگوي جامعه شناختي). نامه علوم اجتماعي، شماره 13، صص3 ـ 25.

**منابع انگلیسی**

Brown, R., & Capozza, D. (2000). Introduction: Social identity theory in revisiting and perspective. In Dora Capozza & Rupert Brown (eds). *Social identity processes: Trends in theory and research*. London: Sage. pp. vii-xv.

Burke, P.J. & Reitzes, D.C. (1981). The link between identity and role performance, Social Psychology Quaterly, Vol 44, No. 2, pp. 83-92.

Burke, P.J. (1991). Identity processes and social stress. *American Sociological Review*, 56, 836-849.

Callero, P. L. (1985). Role-identity salience. *Social Psychology Quarterly*, 48, 203–215.

carla, meijen. (2005).The translation and evaluation of the athletic measurement scale :an examination of the relation between starting status and athletic identity in the netherlands .*l*, 5 (3), 241-256.

Charng, H., Piliavin, J.A., and Callero, L.P. (1988). Role identity and reasoned action in the prediction repeated behavior, *Social Psychology Quarterly*, Vol 51. no.4, 502-521.

*Chomsky Noam. Media control: The spectacular achievements of propaganda. language arts & disciplinesـ2002. p115.*

Coen, S. P., & Ogles, B. M. (1993). Psychological characteristics of the obligatory runner: A critical examination of the anorexia analogue hypothesis. *Journal of Sport and Exercise Psychology,* 15, 338–354.

Collinson, J.A., Hockey, J. (2007). Working Out Identity: Distance Runners and the Management of Disrupted Identity. *Leisure Studies*, Vol. 26, Issue 4, p 381-398.

Curry, T.J. & Parr, R. (1988). Comparing commitment to sport and religion at a Christian college. *Sociology of Sport Journal*, 5, 369-377.

Daniels, E.A. & Sincharoen, S. (2005). Sport orientations and athletic identity among adolescent girls and boys, *AAHPERD National Convention and Exposition*, April 2005.

Danish, S. J., Petitpas, A. J., & Hale, B. D. (1993). Life development interventions for athletes: Life skills through sport. *The Counseling Psychologist*, 21, 352–385.

Derick, J. W. (2008). An examination of athletic identity, sport commitment, time in sport, social support, life satisfaction, and holistic wellness in college student-athletes. Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences, Vol 68(7-A), 2008. pp. 2834.

Deschamps, J. & Devos, T. (1998). Regarding the relationship between social identity and personal identity. In Stephen Worchel: *Social identity: International Perspective.* London: Sage. Pp. 1-12.

Diane,L,GILL (2011).The relationship between athletic identity and physical activity levels after retirement from collegiate sport : Sage. pp. 75

Drahota, J.T., & Eitzen, D.S. (1998). The role exit of professional athletes, *Sociology of Sport Journal*, 15, 263-278.

Emerson, R. M. (1972). Exchange theory: A psychological basis for social exchange. In J. Berger, M. Zelditch & B. Anderson (Eds.), *Sociological theories in progress*, Vol. 2, pp 38-87.

Eric M. Martin (2013). The Role of Athletic Identity and Passion in Predicting Burnout in Adolescent Female Athletes, The Sport Psychologist, 2013, 27, 338-348

Fox, K. R. (2002). Self-perception and sport behavior. In T. Horn (Ed.), *Advances in sport psychology* (2nd ed., pp. 83-100). Champaign, IL: Human Kinetics.

Fox, K. R., & Corbin, C. (1989). Physical Self-Perception Profile: Development and preliminary validation. *Journal of Sport & Exercise Psychology, 11*, 408-430.

Gergen, K.J. (1996). Technology and the self: From the essential to the sublime. Chapter draft for Grodin & Lindlof (eds), http://www.swarthmore.edu.

Gergen, K.J. (1998). The ordinary, the original and the believable in psychology’s construction of the person, Reconstruction the Psychological Subject, London: Sage. http://www.swarthmore.edu.

Good, A.J., Brewer, B.W., Petitpas, A.J., Van Raalte, J.L., Mahar, M.T. (1993). Identity foreclosure, athletic identity, and college sport participation. *The Academic Athletic Journal*, 1993; 8: 1-12.

Green, S.L. & Weinberg, (2001). Relationships among athletic identity, coping skills, social support, and the psychological impact of injury in recreational participants. *Journal of Applied Sport Psychology*, 13(1), 40-59.

Grove, J.R., Fish, M.B., & Eklund, R.C. (2004). Changes in athletic identity following state team selection trials: Self-protection versus self-enhancement. *Journal of Applied Sport Psychology*, 16, 75-81.

Gustafsson, H., Kenttä, G., Hassmén, P., Lundqvist, C., Durand-Bush, N. (2007). The process of burnout: A multiple case study of three elite endurance athletes, *International Journal of Sport Psychology,* Vol. 38 Issue 4, p388.

Hale, B.D., James, B. & Stambulova, N. (1999). Determining the dimensionality of athletic identity: A Herculean cross-cultural undertaking. *International Journal of Sport Psychology*, 30, 83-100.

Hall, S. (1996). Introduction: Who needs’ identity?, *Questions of cultural identity*, London: Sage Publications, pp. 1-17.

Hardin, M. (2007). The interaction of sport, gender and disability in the lives of heelchair basketball players. *Women in Sport & Physical Activity Journal Spring*, Vol. 16, Issue 1, p39.

Hawkins, C et al (2013). Considering how athletic identity assists adjustment to spinal cord injury: a qualitative study. Master Thesis Of Department of Physiotherapy, University of Birmingham, Edgbaston, Birmingham, UK.

Hoiness, A. R., Weathington, B.L., Cotrell, A.L. (2008). Perceptions of female athletes based on observer characteristics, *Athletic Insight*, Vol. 10 Issue 1, p2.

Horng Lu, F. J. (2004). Relationships among perfectionism, achievement goals, athletic identity, and athlete burnout: A social cognitive perspective, CEPS, Chinese Dissertation, [www.ceps.com](http://www.ceps.com).

Horton, R.S. & Mack, D.E. (2000). Athletic identity in marathon runners: functional focus or dysfunctional commitment? *Journal of Sport Behavior*, 23(2), 101-119.

Howard, J.A. (2000). Social psychology of identities, *Annual Review of Sociology*, Vol. 26, pp. 367-393.

Hurst, R., Hale, B., Smith, D., Collins, D. (2000). Exercise dependence, social physique anxiety, and social support in experienced and non-experienced body builders and weightlifters. *Br Journal Sports Medicine*, 2000; 34:431-5.

Jeffrey, B. (2008). Intergrating self –regulation theories work motivation into a dynamic process theory: Psychology vancouver

Kerr, G., & Dacyshyn, A. (2000). Retirement experiences of gymnasts. *Journal of Applied Sport Psychology*, 12, 115-133.

Krylowicz, B.J. (2000). Student-athlete or athlete-student? An investigation of athletic and vocational identity of Division I male and female collegiate basketball players. *Dissertation Abstracts International: Section B: The Sciences & Engineering*, 60(11-B), 5823.

Lally, P.S., Kerr, G.A. (2005). The career planning, athletic identity, and student role identity of intercollegiate student athletes, *Research Quarterly for Exercise and Sport*, Vol 76, N 3, p. 275.

*Lambert,N.M.& Dollahite, D.C.(2008). "The Threefold Cord: Marital Commitmentin Religious Couples". Journal of Family Issues, 29 , 592ـ614.*

Lantz, C.D. & Schroeder, P.J. (1999). Endorsement of masculine and feminine gender roles: differences between participation in and identification with the athletic role. *Journal of Sport Behavior*, 22(4), 545-557.

Lavallee. D., Robinson, H.K. (2007). In pursuit of an identity: A qualitative exploration of retirement from women’s artistic gymnastics*. Psychology of Sport and Exercise*, 8 (2007), 119–141.

Martin, J. J., Eklund, R.C., & Adams-Mushett, C. (1997). Factor structure of the Athletic Identity Measurement Scale with athletes with disabilities. Adapted Physical Activity Quarterly, 14(1), 74-82.

Martin, J. J., Mushett, C. A., & Eklund, R. C. (1994). Factor structure of the athletic identity measurement scale with adolescent swimmers with disabilities. *Brazilian International Journal of Adapted Physical Education Research, 1*, 87-99.

Martin, J.J., Eklund, R.C. & Mushett, C.A. (1997). Factor structure of the athletic identity measurement scale with athletes with disabilities. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 14, 74-82.

Masten, R., Tušak, M. & Faganel, M. (2006). Impact of identity on anxiety in athletes, *Kinesiology*, 38, 2: 126-134.

Miller, P. S., & Kerr, G. (2002). The athletic, academic and social experiences of intercollegiate student athletes. *Journal of Sport Behavior*, 25, 346–367.

Mills, A.L., Christensen, S.A. (2006). Athletic identity and its relationship to sport participation levels. [*Journal of Science and Medicine in Sport*](http://www.sciencedirect.com/science/journal/14402440), [Volume 9, Issue 6](http://www.sciencedirect.com/science?_ob=PublicationURL&_tockey=%23TOC%2333022%232006%23999909993%23637456%23FLA%23&_cdi=33022&_pubType=J&_auth=y&_acct=C000055464&_version=1&_urlVersion=0&_userid=1937058&md5=a16afc352b025a108e32bc2c5669dc30), Pages 472-478.

*Mosko , J.(2009)."Commitment and attachment dimensions". In: parial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy. Purdue University*

Murphy, G. M., Petitpas, A. J., & Brewer, B. W. (1996). Identity foreclosure, athletic identity, and career maturity in intercollegiate athletes, *The Sport Psychologist, 10*, 239-246.

Nasco, S. A. & Webb, W. M. (2006). Toward an expanded measure of athletic identity: The inclusion of public and private dimensions*, JSEP*, 28(4), Copyright © 2006.

Nippert, A.H., Smith, A.M., (2008). Psychologic stress related to injury and impact on sport performance, *Physical Medicine and Rehabilitation Clinics Of North America*; Vol. 19 (2), pp. 399-418.

*Ross, K & Nightingale, V. (2008) Media and Audiences , London: McGraw Hill.*

Salazar, J.M. (1998). Social identity and national identity, *International perspective*, London: Sage. pp. 114-123.

Sherrill, C. (1993). Women with disability: Paralympics and reasoned action contact theory. *Women in Sport and Physical Activity Journal, 2*, 51-60.

Sparkes, A. C. (1998). Athletic identity: An Achilles’ heel to the survival of self. *Qualitative Health Research*, 8, 644–664.

Stryker, S. & Burke, P.J. (2000). The past, present, and future of an identity theory. *Social Psychology Quarterly*, 63(4), 284-297.

Tajfel, H. (1978). Social categorisation, social identity and social comparison. In H. Tajfel (Ed.), *Differentiation between social groups* (pp. 61-76). London: Academic Press.

Tasiemski, T., Kennedy, P., Gardner, B.P,. Rachel, A. (2004). Athletic identity and sports participation in people with spinal cord injury. *Adapted Phys Activity Q*; 21:364-78.

Turner, J. H. (1998). The structure f sociological theory, The 6th Ed, Wadsworth publishing company.

Werthner, P., & Orlick, T. (1986). Retirement experiences of successful Olympic athletes. *International Journal of Sport Psychology*, 17, 337–363.

Wickman, K. (2007). “I do not compete in disability”: How wheelchair athletes challenge the discourse of able-ism through action and resistance. European Journal for Sport and Society, 4 (2): 151-167

Wiechman, S.A. & Williams, J. (1997). Relationship of athletic identity to injury and mood disturbance. *Journal of Sport Behavior*, 20, 199-210.